

درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مقصد اول-أوامر
 موضوع جزئی: معنای لغوی و عرفی ماده-أمر-(بررسی نظریه دوم اشتراک لفظی)
 تاریخ: ۱۸ بهمن ماه ۱۳۹۳
 مصادف با: ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۳۶
 سال: ششم
 جلسه: ۶۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در معنای ماده امر بود. عرض کردیم به طور کلی بعضی در مورد معنای ماده امر قائل به اشتراک معنوی هستند. ما این مسلک را هم اجمالاً و هم تفصیلاً بررسی کردیم یعنی ابتدا اشکالاتی را در مورد نظریه اشتراک معنوی بیان کردیم و سپس به طور خاص نظر محقق نائینی و محقق اصفهانی که متمایل به این مسلک بودند را مورد بررسی قرار دادیم.

نظریه دوم: اشتراک لفظی

کسانی که معتقدند ماده امر مشترک لفظی است در این جهت متفقند که یک معنای امر که معنای اشتقاقی امر است عبارت از طلب است و در این اختلاف نیست. اختلاف در معنای جامد آن است که برخی چند معنا را بیان کرده اند اما عمدتاً دو معنا ذکر کرده اند که یکی معنای اشتقاقی ماده امر است و دیگری نیز معنای جامد ماده امر است. در مورد این نظریه هم مانند نظریه اشتراک معنوی هم به تفصیل آراء و انظار را مورد بررسی قرار می دهیم به نحو کلی در مورد آن بحث خواهیم کرد.

بررسی تفصیلی نظریه اشتراک لفظی

انظار و آراء متعددی در اینجا ذکر شده که به چند نظر اشاره می کنم و بعد آن ها را بررسی خواهیم کرد.

۱. نظر صاحب فصول

صاحب فصول معنای دوم را عبارت از شأن می داند لذا ایشان می فرماید: ماده امر مشترک لفظی بین طلب و شأن است که طلب معنای اشتقاقی و شأن هم معنای جامد است یعنی چون معنای اشتقاقی و معنای جامد نمی توانند قدر مشترک داشته باشند پس ماده امر مشترک لفظی بین این دو است.

۲. نظر محقق خراسانی

مرحوم آقای آخوند معنای دوم را شیء می داند و سایر معانی را به شیء بر می گرداند. اگر به خاطر داشته باشید، ما در ابتدای بحث هفت معنا از امر را که مرحوم آقای آخوند متعرض شده بود را ذکر کردیم. ایشان معتقدند که ماده برای دو معنا از آن هفت معنا وضع شده است که یک معنا، طلب و دیگری شیء است و پنج معنای باقی مانده به شیء برگردانده می شوند و علت آنکه آن معانی را به عنوان معنای ماده امر ذکر کرده اند در واقع از باب اشتباه مفهوم به مصداق است یعنی آنان مصداق را بجای مفهوم امر قرار داده اند وی در مورد "غرض" می گوید: غرض مفهوم ماده امر نیست بلکه یک مصداق است به طور

مثال اگر گفته شود جِتُّكَ لِفَلَانٍ أَمْرٌ؛ این غایتی که برای مجيء ذکر شده در حقیقت مبین غرض و مقصود از مجيء است و مدخول لام غایت یا جاره، در واقع یکی از مصادیق غرض است و چون أَمْرٌ در اینجا مصداق غرض است با مفهوم اشتباه شده یعنی در مثال جِتُّكَ لِأَمْرٍ كَذَا؛ غرض از کلمه "امر" فهمیده نشده بلکه از "لام" فهمیده شده پس این مفهوم ماده امر نیست بلکه یکی از مصادیق آن است.

یکی دیگر از معانی که مرحوم آقای آخوند برای ماده امر ذکر کرده اند "شأن" است مثلاً در جایی که میگوئیم شَعَلْنِي أَمْرٌ كَذَا؛ در اینجا ماده امر بجای شأن واقع نشده یعنی منظور شَعَلْنِي شأن کذا نیست بلکه در اینجا أَمْرٌ در معنای شیء استعمال شده لکن این امر بواسطه قرائنی که در کلام وجود دارد مصداق برای شأن است پس همچنان معنای آن شیء است و شأن مصداق شیء است یعنی در اینجا هم اشتباه مفهوم به مصداق شده است.

معنای دیگری که برای ماده امر ذکر شده، حادثه و واقعه است. به طور مثال زمانی که گفته می شود وَقَعَتْ فُلَانٌ أَمْرٌ؛ یعنی فُلَانٌ امر اتفاق افتاد، در اینجا نیز امر به معنای شیء است لکن این شیء مصداق حادثه است یعنی در اینجا خود کلمه امر به معنای حادثه استعمال نشده ولی بواسطه قرائنی که وجود دارد، گفته می شود که این امر در معنای شیء استعمال شده لکن یک مصداق آن حادثه است.

فعل هم همینطور است یعنی وقتی امر به معنای فعل یا فعل عجیب دانسته شده در واقع فعل عجیب معنای امر نبوده بلکه امر به معنای شیء است لکن یک مصداق از شیء، فعل عجیب است مثلاً گفته می شود رَأَيْتُ أَمْرًا كَذَا؛ یعنی رَأَيْتُ شَيْئًا كَذَا که در این مثال شیء به معنای فعل عجیب است یا مثلاً فُلَانٌ امر را انجام دادم یعنی در واقع فُلَانٌ فعل را انجام دادم که در اینجا هم امر به معنای شیء است اما مصداق شیء، همان فعل است.

پس مرحوم آقای آخوند بر این اساس معتقد است که ماده امر دو معنا دارد: یک معنا، معنای اشتقاقی طلب است که مورد قبول همه است و یک معنا هم معنای جامد شیء است لکن از آنجا که شیء معنایی عام است دارای مصادیق متعدد و مختلف است و هر معنایی که برای ماده امر ذکر کرده اند (۵ معنا به غیر از طلب) همه آن معانی مصادیق شیء هستند و اگر در کلمات بزرگان این معانی به عنوان معانی مختلف ماده امر ذکر شده، در واقع از قبیل اشتباه مفهوم به مصداق است.

۳. محقق بروجردی

محقق بروجردی ماده امر را دارای دو معنای طلب و فعل می داند یعنی ایشان می فرماید: امر یک معنای مشتق دارد که طلب است و یک معنای جامد هم دارد که عبارت از فعل است.

البته برخی از بزرگان برای امر سه معنا ذکر کرده اند یعنی طلب، شیء، شأن را معانی ماده امر دانسته و برخی نیز برای آن چهار معنا را بیان کرده یعنی طلب، شیء، شأن و طریق را برای آن ذکر نموده اند.

حال باید بررسی کنیم آیا واقعاً نظریه اشتراک لفظی قابل قبول است یا خیر؟ آن گاه اگر اشتراک لفظی مورد قبول است، معنای دوم کدام است؟ چون در معنای اول اختلافی نیست یعنی در دلالت ماده امر بر طلب بحثی وجود ندارد لذا باید بررسی شود که آن معنای جامد که ماده امر بر آن دلالت دارد چیست؟

قبل از بررسی کلی در مورد اشتراک لفظی، باید بررسی کنیم که نظر این بزرگان صحیح است یا خیر؟!

بررسی نظر صاحب فصول

صاحب فصول فرمود: شأن همان معنای ماده امر است. آیا واقعاً می‌توانیم این سخن را بپذیریم؟ یعنی آیا واقعا متبادر از لفظ امر، همان شأن است؟ واقع مطلب این است که این بیان خلاف متبادر است یعنی در ذهن کسی با شنیدن ماده امر، معنای شأن خطور نمی‌کند.

بررسی نظر محقق خراسانی

اولاً: اینکه بگوئیم ماده امر در همه جا به غیر از مواقعی که به معنای طلب می‌باشد، به معنای شیء است، این وسعت و تبادر چنین معنای عامی، قابل قبول نیست البته درست است که در برخی از موارد از ماده امر، معنای شیء به ذهن خطور می‌کند اما اینکه بگوئیم: هر جایی که امر استعمال شده (البته در غیر از معنای اشتقاقی) به معنای شیء است مورد قبول نیست و مشکل است.

ثانیاً: نفس عمومیت و شمولی که کلمه شیء دارد می‌تواند مُبَعَّد قرار دادن این معنا برای ماده امر باشد یعنی اگر امر به معنای شیء بود، ما باید می‌توانستیم که کلمه امر را جایگزین شیء کنیم به عبارت دیگر هر جا که بتوانیم کلمه شیء را اطلاق کنیم کلمه امر را هم باید بتوانیم اطلاق کنیم. به طور مثال گفته می‌شود: زیدٌ شیءٌ؛ آیا می‌توان کلمه شیء را برداشت و بجای آن کلمه امر را قرار داد؟ یعنی آیا زیدٌ امرٌ صحیح است؟ بعید است که بتوانیم بجای کلمه شیء که هم بر جواهر و هم بر اعراض اطلاق می‌شود کلمه امر را قرار دهیم یا مثلاً شیء معنای عامی است که شامل خداوند تبارک و تعالی هم می‌شود لذا اگر بگوئیم إِنَّ اللَّهَ شیءٌ؛ هیچ مشکلی ندارد اما آیا می‌توان کلمه شیء را در این مثال برداشت و بجای آن کلمه‌ی امر گذاشت؟ یعنی آیا می‌توانیم بگوئیم إِنَّ اللَّهَ امرٌ؟ به نظر می‌رسید این هم بعید است.

بررسی نظر محقق بروجردی

ایشان فرمودند: امر به معنای جامدش عبارت از فعل است یعنی گفتند الأمر هو الفعل یعنی امر به معنای فعل و کار است. این قول هم محل تأمل و نظر است چون اگر امر به معنای فعل بود، باید می‌توانستیم هر یک را بجای دیگری استعمال کنیم در حالی که نمی‌توانیم در برخی از مواقع این کار را انجام دهیم یعنی می‌توانیم در بعضی از موارد فعل را اطلاق کنیم اما امر را نمی‌توانیم اطلاق کنیم و بالعکس هم اینگونه است به طور مثال نمی‌توان گفت البیاضُ فعلٌ یا السوادُ فعلٌ؛ اما می‌توان گفت البیاضُ امرٌ یا السوادُ امرٌ؛ خود اینکه نمی‌توانیم در برخی از مواقع فعل را بجای ماده‌ی امر ذکر کنیم نشان دهنده این است که امر به معنای فعل نیست. پس تا به اینجا عمده‌ی معانی که درباره معنای جامد ماده امر بیان شده، محل اشکال واقع شده است. حال آیا واقعا می‌توان برای ماده امر معنای جامد دیگری ذکر کرد یا خیر؟ و بر فرض که این نظر را بپذیریم، آیا در اینجا اساساً می‌توانیم ادعا کنیم که امر مشترک لفظی بین این دو معنا است یا خیر؟ اشکال و مُبَعَّدی برای مشترک معنوی وجود داشت و آن اینکه اساساً امر به معنای طلب و امر به معنای جامد، به دو صیغه متفاوت جمع بسته می‌شوند که جمع یکی امور و جمع دیگری اوامر است اما سوال است که این اشکال آیا در مشترک لفظی هم وجود دارد یا خیر؟

پس اولاً باید بررسی کنیم که آیا امر برای معنای جامد وضع شده یا خیر؟

ثانیاً اگر ماده امر برای معنای جامد وضع شده، آن معنا چیست؟
ثالثاً بر فرض وجود معنای جامد، آیا در اینجا باید ملتزم به اشتراک لفظی شویم یا اساساً باید راه دیگری را در پیش بگیریم؟

«الحمد لله رب العالمین»